

دو گزارش از یک واقعه تاریخی:

مطالعه تطبیقی نگاه طه حسین و مارتین هیندز به قتل خلیفه سوم

* حمیدرضا ثنائی

** مهدی مجتهدی

چکیده

تاریخ‌نگاری صدر اسلام از تأثیر انگیزه‌های مذهبی مصون نبوده است و تفاوت مذاهب کلامی مختلف اغلب در نگاه ایشان به وقایع و شخصیت‌های صدر اسلام نیز بازتاب یافته است، تا جایی که برخی از مذاهب، مشروعیت خویش را از این نوع نگاه کسب می‌کنند. نگرش‌ها به خلیفه سوم، عثمان و مسئله قتل او، منشأ اختلافات گسترده‌ای میان مسلمانان بوده است. در این میان، تاریخ‌پژوهان، علی‌رغم تأثر از علایق خویش، با روش‌های علمی به مطالعه حوادث مربوط به قتل او پرداخته‌اند و تا حدودی به واقعیت و عینیت نزدیک شده‌اند. مطالعه تطبیقی دو نگاه معاصر، یکی عربی و دیگری غربی، به منظور تبیین این مسئله، موضوع نوشتار حاضر است. طه حسین، مورخ و ادیب مصری و مارتین هیندز، پژوهشگر غربی، کوشیده‌اند با بی‌طرفی، رخداد قتل خلیفه را تبیین کنند. قرار دادن این دو نوع نگاه در دو کفه ترازو و مقایسه هدف، شیوه پژوهش، منابع، قوت تحلیل و نیز زاویه نگاه آنها، از تفاوت چشمگیر میان آن دو پرده برمی‌دارد.

واژگان کلیدی

عثمان بن عفان، طه حسین، مارتین هیندز، تاریخ‌نگاری.

hr.sanaei@um.ac.ir

mmojtahedi@um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۵

*. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول).

** استادیار دانشگاه فردوسی مشهد.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲

طرح مسئله

در میان پژوهش‌های مربوط به ماجرای قتل خلیفه سوم، پژوهش‌های دو شخصیت به طور خاص جلب توجه می‌کند: یکی مارتین هیندز^۱ (۱۹۸۸ - ۱۹۴۱ م)، شرق‌شناس انگلیسی و نماینده پژوهش‌گران تاریخ اسلام در غرب و دیگری طه‌حسین (۱۹۷۳ - ۱۸۸۹ م)، نماینده مطالعات تاریخ اسلام در مصر معاصر. به عبارت دیگر، در میان اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان که به این موضوع خاص پرداخته‌اند، نام این دو بیش‌تر به چشم می‌خورد. طه‌حسین در جلد نخست *الفتنه الکبری* درباره حوادث منجر به قتل عثمان - خلافت: ۳۵ - ۲۳ ق - سخن گفته است.^۲ هیندز نیز در مقاله «The Murder of Caliph 'Uthman»^۳ بخشی از حوادث خلافت عثمان را که به قتل وی انجامید، بررسی کرده است.

موضوع قتل خلیفه سوم از زمان خلافت امام علی علیه السلام تا روزگار اخیر، پیوسته محل بحث و نزاع عالمان و مسلمانان بوده است. تردیدی نیست که طه‌حسین به عنوان یک مسلمان از این مسائل به دور نبوده و شاید کتاب او در این زمینه - *الفتنه الکبری* - نیز تحت‌تأثیر همین جو مذهبی تألیف شده است. در عین حال، انتظار می‌رود که طه‌حسین - که در غرب تحصیل کرده - در تألیف این اثر، از روش علمی غربیان پیروی کرده باشد. وجود دو اثر در یک موضوع و در دو بستر اجتماعی، از یک سو زمینه مناسبی را برای سنجش میزان تأثیرپذیری طه‌حسین از اسلوب‌های علمی غربی فراهم می‌کند و از سوی دیگر، مقایسه آنها نقاط ضعف و قوت نمونه‌هایی از روش‌های مذکور را مشخص خواهد کرد. بی‌تردید بررسی یک اثر از هر مؤلف نمی‌تواند به معنای واقعی کلمه، روش علمی آنان را مشخص کند؛ ولی با توجه به آنکه بررسی روش تاریخ‌نگاری آن دو، هر کدام مجال وسیع و جداگانه‌ای می‌طلبد، برای نیل به اهداف این مقاله، روش تاریخ‌نگاری طه‌حسین و مارتین هیندز تنها در آثار خاص ایشان درباره قتل عثمان مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است.

با آنکه قتل عثمان و عوامل و زمینه‌های بروز آن در هر دو اثر مورد توجه بوده، زاویه دید، هدف، روش پژوهش، منابع و تحلیل‌های تاریخی این دو نویسنده تفاوت قابل توجهی دارند.

1. Martin Hinds.

۲. جلد دوم این اثر - *فتنه الکبری* - با عنوان *علی و بنوه* به حوادث دوران امام علی علیه السلام و حسنین علیهم السلام اختصاص دارد. جلد اول توسط سید جعفر شهیدی و جلد دوم توسط احمد آرام به فارسی ترجمه شده‌اند. برای ترجمه‌های دیگر جلد دوم، ر. ک: پایگاه کتابخانه تخصصی امیرالمؤمنین علی علیه السلام:

<http://www.imamalislib.org/?page=books&author=1464>

3. Hinds, "The Murder of Caliph 'Uthman", in: *International Journal of Middle East Studies*, V. 3, Issue 04, October 1972, p. 450 - 469.

دو گزارش از یک واقعه تاریخی: مطالعه تطبیقی نگاه طه‌حسین و مارتین هیندز به قتل خلیفه سوم □ ۴۹

مقاله حاضر می‌کوشد با به‌کاربردن «روش تطبیقی خرد»^۱ از انگیزه‌ها و روش تاریخ‌نگاری این دو سخن گوید. برای قضاوت درباره نوع نگاه طه‌حسین و مارتین هیندز درباره قتل عثمان، پرداختن اجمالی به دو مقدمه ضروری است: نخست آشنایی اجمالی با شخصیت، تحصیلات و آثار دو نویسنده و سپس آگاهی از بخشی از وقایع خلافت عثمان که به قتل او منجر شد.

معرفی اجمالی طه‌حسین و مارتین هیندز

طه‌حسین پس از تحصیل صرف و نحو، منطق، ادب، حفظ قرآن، آموختن فقه و اصول و تکمیل کردن برنامه درسی مدرسه الأزهر به دانشگاه نوبنیاد مصر راه یافت. او در قاهره از محضر استادانی چون گوئیدی^۲، انولیتمان^۳، نالینو^۴، سانتینا^۵ و لوئی ماسینیون^۶ بهره برد. او با نگارش رساله‌ای درباره ابوالعلائی مَعَرّی درجه دکتری ادبیات عرب را به‌دست آورد و به نخستین فارغ‌التحصیل دانشگاه ملک فؤاد - دانشگاه قاهره کنونی - تبدیل گردید. او در سال ۱۹۱۵م. بورسیه دانشگاه سوربن فرانسه شد و افزون بر دریافت مدرک تاریخ در سال ۱۹۱۷م، دومین دکترای خود را در ۱۹۱۹م. با رساله‌ای درباره ابن‌خلدون^۷ اخذ کرد. شهرت او به «عمید الادب العربی» حاکی از جایگاه ادبی او و لقب «قاهر الظلام»، نشان از توفیق او در عین نابینایی است.^۸ وی پس از بازگشت به مصر، به تدریس تاریخ و عربی در دانشگاه پرداخت و دو سال هم به عنوان وزیر آموزش مصر فعالیت کرد.^۹ او در ۱۹۴۹م نامزد جایزه نوبل ادبیات شد و در ۲۸ اکتبر ۱۸۸۹م درگذشت.^{۱۰}

۱. در مطالعه یا مقایسه تطبیقی خرد، دو سوژه مورد مطالعه، مستقیماً به ساختاری بزرگ تعلق دارند و میان ترکیب‌بندی ساختار و کارکردهای عناصر آن مشابهت‌های اساسی وجود دارد. (ر. ک: پاکتچی، روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث، ص ۱۱۰)

2. Ignazio Guidi.
3. Enno littmann.
4. Carlo Alfonso Nallino.
5. David Santillana.
6. Louis Massignon.

۷. حسین، آن روزها، ص ۱۲.

8. Étude analytique et critique de la philosophie sociale d'Ibn - Khaldoun.
9. Paniconi, "Ḥusayn, Ṭāhā", in: *EITHREE*.
10. Malti - Douglas, "Ḥusayn, Ṭāhā", in *The Oxford Encyclopedia of the Modern Islamic World*, p.148.
11. Cachia, P., "Ṭāhā Ḥusayn", in *Encyclopaedia of Islam*.
12. Paniconi, s.v. "Ḥusayn, Ṭāhā", in: *EITHREE*.

با وجود اهمیت الفتنة الكبرى، شگفت‌آور است که در مدخل‌های مربوط به طه‌حسین در ویرایش دوم و سوم دائرةالمعارف اسلام (EI2, EI THREE) و دائرةالمعارف جهان اسلام معاصر (The Oxford Encyclopedia of the Modern Islamic World) اشاره‌ای به آن نشده است. برای تنها نقد این کتاب ر. ک: بری، عبدالله،

طه حسین بی‌تردید از محیط نشو و نمای خویش اثر پذیرفت. از نوع نگاه او به صحابه می‌توان دریافت که محیط مذهبی مصر تا حدود زیادی بر او اثر گذاشته بود. او به‌خوبی نوجوانی خویش را به یاد می‌آورد که چگونه پس از انکار نظر سنتی عالم روستای خویش درباره حافظان قرآن، با دشنام و اعتراض وی و خشم شدید مادر خود مواجه شده است.^۱ بنابراین، حسین باوجود برخورداری از تحصیلات و اشتغال به فعالیت‌های دانشگاهی، خواسته یا ناخواسته، به‌گونه‌ای از ایستادن در برابر این جریان سنتی مصر طفره رفته است. از سده هفتم هجری و عهد زوال فاطمیان شیعی، حاکمان این سرزمین، از ایوبیان گرفته تا ممالیک و عثمانی، با تأکید بر مبانی مشروعیت مذاهب اهل سنت در برابر تشیع، این خطه را به ام‌القرای عالم سنی بدل ساختند و در این مسیر، الأزهر نقش بسزایی ایفا کرد.

طه حسین قوه نقد خود را در ادبیات عرب نشان داد و با شجاعت، برخی از تصورات مقبول مجامع ادبی عرب را رد کرد. او در کتاب *فی الشعر الجاهلی* قصاید معروف عرب در دوره جاهلی را نامعتبر دانست و دامنه نقد او نوشته‌هایی درباره اشعار ابوالعلاء مَعْرَى - د. ۴۴۹ ق - را نیز دربرگرفت.^۲ اما آنچه او در زمان نوشتن *الفتنۃ الکبری* در آن قدم نهاده بود - یعنی تاریخ صدر اسلام - موضوعی نبود که مردم مصر و حتی جامعه فرهنگی و دانشگاهی آن، بحث و تردید درباره آن را برتابند. افزون بر آن، به نظر می‌رسد طه‌حسین با وجود برخورداری از تربیت دانشگاهی، هنوز آمادگی ذهنی لازم برای زیر و رو کردن اندیشه‌های متداول و سنتی مصریان درباره تاریخ و رجال صدر اسلام را نداشته است؛ اگرچه اندکی از این راه را در این اثر پیموده است. به‌هررو، آنچه در *الفتنۃ الکبری* دیده می‌شود، جدال مداوم میان اندیشه و نقد علمی، عاری از تعصب یک خیره دانشگاهی و نگاه تعصب‌آلود یک شیخ سنت‌گراست. از این رو، این تنها محیطی است که در برابر تربیت دانشگاهی طه‌حسین، رنگ مذهبی تسنن به کتاب و ذهن او بخشیده است. این رنگ مذهبی در این مقاله با وضوح بیش‌تری نمایان خواهد شد.

افزون بر این، رگه‌هایی از اندیشه‌های سلفی در کتاب *خاطرات او - الایام -* دیده می‌شود. بر این اساس، گویا او در کودکی به‌گونه‌ای تحت‌تأثیر اندیشه‌های سلفی قرار گرفته است. در زمان

الدكتور طه حسين و الخلفاء: عرض و نقد ادبی للحوادث الاسلامیه و العربیه فی کتاب *الفتنۃ الکبری* (علی و بنوه)، بی‌جا، بی‌نا، ۱۹۵۴ م.

۱. حسین، آن روزها، ۱۸۵ - ۱۸۴.

2. Malti - Douglas, "Husayn, Taha", in *The Oxford Encyclopedia of the Modern Islamic World*, p. 184.

دو گزارش از یک واقعه تاریخی: مطالعه تطبیقی نگاه طه‌حسین و مارتین هیندز به قتل خلیفه سوم □ ۵۱

اولین حضور او در خانه پس از تحصیل در قاهره، انتقادات پی‌درپی او به اعتقادات خانواده و هم‌ولایتی‌هایش، ایشان را به این اندیشه واداشت که تحت‌تأثیر «آوای فاسد و زبان‌بخش شیخ محمد عبده» قرار گرفته است.^۱ از جمله آن انتقادات این بود که خواندن کتاب *دلائل الخیرات* در موضوع ادعیه توسط پدر خود را حرام می‌نامید و توسل به انبیا و اولیا و قرار دادن واسطه میان خود و خدا را شایسته نمی‌دانست و آن را نوعی بت‌پرستی می‌شمرد.^۲ با وجود این، آنچه در مقاله حاضر آمده است نشان می‌دهد تحصیل در دانشگاه نتوانست به کلی ریشه این اندیشه‌ها و دیدگاه‌های غیرعلمی را در ذهن او بخشکاند.

در سوی دیگر، مارتین هیندز تحصیلات خود را در نیوکاسل و سپس مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی - سو آس - پشت سر گذاشت. او در سال ۱۹۶۹ از رساله دکتری خود با عنوان «تاریخ نخستین فرق اسلامی در عراق»^۳ دفاع کرد و به تدریس در سوآس و سپس دانشگاه کمبریج مشغول شد. او مدتی در قاهره به فعالیت‌های علمی مشغول بود. وی موفق به انتشار رساله خود نشد، ولی دو مقاله‌ای^۴ که بر اساس آن ارائه کرد،^۵ حاکی از تسلط و دقت او در بهره‌گیری از منابع است. این ویژگی‌ها را در مقالات او در ویرایش دوم *دائرةالمعارف اسلام*،^۶ یعنی «المغازی»، «مخزوم، بنی»، «محنه» و «معاویه بن ابی‌سفیان» نیز می‌توان مشاهده کرد. کتاب او با همکاری پاتریشیا کرون^۷ که در راستای همان مقالات و در سال ۱۹۸۶ منتشر شد،^۸ *خلیفه خدا: مرجعیت دینی در قرن اول اسلامی*^۹ نام دارد و درباره ماهیت مذهبی خلافت بحث

۱. حسین، آن روزها، ۱۸۷.

۲. همان، ۱۸۵.

3. The School of Oriental and African Studies (SOAS).

4. The early history of Islamic schism in Iraq.

5. "The Murder of the Caliph 'Uthman" and "Kufan Political Alignments".

6. Hourani. "In Memoriam: Martin Hinds", p.155.

7. Encyclopaedia of Islam, Second Edition.

8. Patricia Crone.

۹. درباره تأثیر گرفتن مارتین هیندز از پاتریشیا کرون - که گاه او را در جرگه جریان شکاک شرق‌شناسی جای می‌دهند - نمی‌توان اظهار نظر قطعی داشت. جالب است که او در زندگی‌نامه خود، به کتابی که با هیندز نوشته هیچ اشاره‌ای نکرده است (ر. ک: کرون، *زندگی‌نامه خودنوشت*، ص ۵۶). در باب تعلق کرون به جریان مذکور باید گفت که او در جوانی کتابی به نام *هاجرگرایی* (با همکاری مایکل کوک (Michael Cook)) نوشت که به گفته خودش، همانند مهری بر پیشانی‌اش خورد و او را انگشت‌نما کرد. او با این کتاب شهرت یافت و به قول خود، به عنوان «بچه سرکش و عاصی خانواده اسلام‌شناسی» معرفی شد. با این‌همه، به نظر می‌رسد این کتاب در میان آثار او یک استثنا بود و جالب آنکه به نوشته کرون، مایکل کوک، همکار او، چنان از نوشتن این کتاب پشیمان شده بود که تا مدتی از ذکر کتاب مذکور در فهرست آثار خویش خودداری می‌کرده است (همان، ۵۶ - ۵۵).

10. God's Caliph: Religious Authority in the First Centuries of Islam.

می‌کند.^۱ او بخشی از تاریخ طبری را نیز به انگلیسی ترجمه کرد که دو سال پس از مرگش منتشر شد.^۲ سرانجام مارتین هیندز در پی ابتلا به سرطان^۳ در اول دسامبر ۱۹۸۸ در ۴۷ سالگی درگذشت.^۴

شورش برضد خلیفه سوم و قتل وی

هنگامی که عثمان به عنوان خلیفه مسلمانان برگزیده شد، متعهد شد که از کتاب خدا، سنت رسول ﷺ و رفتار ابوبکر و عمر پیروی کند.^۵ با این همه، دیری نگذشت که بر همگان روشن شد عثمان قصد ندارد از سیره پیامبر ﷺ و حتی رفتار شیخین پیروی کند. از مورخان متقدم، یعقوبی - د. پس از ۲۹۲ ق - و ابن قتیبه - د. ۲۷۶ ق - و از متأخران، محب‌الدین طبری - د. ۶۹۴ ق - نکوهش‌ها درباره سیره عثمان را بیان کرده‌اند.^۶ این نکوهش‌ها طیفی از رفتارهای ریز و درشت خلیفه را دربرمی‌گیرد. منابع تاریخی، نخستین تغییر در سیره عثمان را به شکلی نمادین، با روایت ساختگی انداختن خاتم رسول خدا ﷺ در چاه آریس در سال ۳۰ ق نشان می‌دهند؛^۷ با این همه، گویا نخستین و شاید جدی‌ترین نارضایتی نسبت به نصب والیان رخ داد.^۸ با آنکه عثمان پذیرفته بود که عاملان عمر را عزل نکند، طولی نکشید که همه آنان را کنار نهاد و اقوام خویش را به جای ایشان امارت داد.^۹ او که به خاندان خود گرایش شدید داشت، برخی از آنها مانند مروان،^{۱۰} عقیبة بن ولید، سعید بن عاص، عبدالله بن سعد و عبدالله بن عامر^{۱۱} را منصب داد و به برخی از آنان اموالی بخشید. او معاویه را نیز در شام تثبیت کرد.^{۱۲} عثمان، فدک^{۱۳} و خمس غنایم افریقیه

1. Bosworth, "Martin Hinds 1941 - 1988", in *British Society for Middle Eastern Studies Bulletin*, p.118.
2. The History of al - Tabari Vol.23: The Zenith of the Marwanid House: The Last Years of 'Abd al - Malik and The Caliphate of al - Walid A.D. 700 - 715/A.H. 81 - 96.
3. Hourani, "In Memoriam: Martin Hinds", in *Middle East Studies Association Bulletin*, p.156.
4. Bosworth, "Martin Hinds 1941 - 1988", in *British Society for Middle Eastern Studies Bulletin*, p.118.

۵. طبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۳۸.

۶. ر. ک: یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۴ - ۱۷۳؛ ابن قتیبه، المعارف، ص ۱۹۵ - ۱۹۴؛ طبری، الریاض النضره فی مناقب العشره، ج ۳، ص ۶۳ به بعد.

7. Della Vida, G. Levi and R. G. Khoury, "Uthmān b. 'Affān", in: *EI2*, p. 948.

8. Idem, p. 947.

۹. شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۱۳۲.

۱۰. او را کاتب خویش قرار داد. (ابن حبیب، المحبر، ص ۳۷۷)

۱۱. خلیفه بن خیاط، تاریخ، ص ۱۷۸.

۱۲. ر. ک: مادلونگ، جانشینی حضرت محمد ﷺ، ص ۱۳۷.

۱۳. ابن قتیبه، المعارف، ص ۱۹۵.

دو گزارش از یک واقعه تاریخی: مطالعه تطبیقی نگاه طه‌حسین و مارتین هیندز به قتل خلیفه سوم □ ۵۳

را به پسرعمو و داماد خود، مروان بخشید^۱ و زمینی در مهزور^۲ از توابع مدینه را نیز به برادر وی، حارث، اقطاع داد^۳ و ۳۰۰ هزار درهم نیز بدو اعطا کرد.^۴ عثمان به پدر آن دو - عموی خود - حکم نیز ۱۰۰ هزار درهم هبه کرد.^۵ وی ۴۰۰ هزار درهم نیز به عبدالله بن خالد اموی بخشید.^۶ این خویشان خلیفه نه تنها سابقه مسلمانی چشمگیری نداشتند، بلکه بسیاری از ایشان مانند عبدالله بن سعد،^۷ حکم و پسرش مروان و ...^۸ کارنامه سیاهی در دوره رسول‌الله ﷺ داشتند.

عثمان، ابوذر صحابی برجسته را به جرم اعتراض به بخشش‌ها از بیت‌المال و همچنین مال‌اندوزی کسانی چون معاویه، به دمشق و سپس به ربه - منزلی میان کوفه و مکه - تبعید کرد.^۹ او عمار را نیز - که مانند ابوذر به بخشش‌ها خرده می‌گرفت - چنان مضروب ساخت که از شدت آن بیهوش شد^{۱۰} و خلیفه قصد داشت تا وی را نیز تبعید کند؛ ولی به پایمردی امام علی علیه السلام و حمایت قبیله مخزوم موفق به انجام این کار نشد.^{۱۱} عبدالله بن مسعود نیز پس از درگیری با ولید بن عقبه - عامل عثمان در کوفه - از عثمان بدگویی می‌کرد و کارهای او را «تغییر» و «تبدیل» می‌خواند و بدعت‌های وی را برمی‌شمرد. پس از آنکه عبدالله به مدینه آمد، به دستور خلیفه چنان از مسجد بیرون رانده شد که دنده‌هایش شکست.^{۱۲}

عثمان زمین‌های خالصه شام را به معاویه سپرد و در عراق، اقطاعاتی را به افراد خاصی مانند سعد بن ابی‌وقاص و أسامه بن زید بخشید.^{۱۳} در کوفه نیز سعید بن عاص که والی اموی شهر

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۶ - ۱۶۵؛ ابن قتیبه، المعارف، ص ۱۹۵.

۲. مهزور رودخانه‌ای فصلی در مدینه بود و ظاهراً به همه زمین‌های پیرامون آن نیز مهزور گفته می‌شده است (ر. ک: ابن شهبه، تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۱۷۱ - ۱۶۹). ابو عبید آن را «وادی بنی قریظه» دانسته است. (یاقوت حموی، معجم البلدان، «مهزور»)

۳. ابن قتیبه، المعارف، ص ۱۹۵.

۴. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۵، ص ۵۴۱.

۵. ابن قتیبه، المعارف، ص ۱۹۴.

۶. همان، ص ۱۹۵.

۷. همان، ص ۳۰۱ - ۳۰۰.

۸. همان، ص ۱۹۵ - ۱۹۴.

۹. ر. ک: بلاذری، انساب الاشراف، ج ۵، ص ۵۴۵ - ۵۴۱؛ ابن شهبه، تاریخ المدینة المنورة، ج ۳، ص ۱۰۳۵ - ۱۰۳۳.

۱۰. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۵، ص ۵۳۸.

۱۱. همان، ص ۵۴۴.

۱۲. همان، ص ۵۲۵ - ۵۲۴.

۱۳. مادلونگ، جانشینی حضرت محمد ﷺ، ص ۱۳۳ - ۱۳۲.

بود، در جمع سرشناسان، زمین‌های سواد عراق را بوستان قریش خواند، اصحاب مالک‌اشتر برآشفند و او را ناسزا گفته و صاحب شرطه‌اش را مضروب ساختند. سعید به اشارت خلیفه ایشان را به شام نزد معاویه تبعید کرد (۳۳ ق).^۱ پس از این ماجرا، برخی از کوفیان شخصی را به نزد عثمان فرستادند تا او را از بدعت‌های خود آگاه سازد. عثمان وایانش را برای شور و مشورت درباره وضع پیش‌آمده احضار کرد.^۲ در همین اثنا تبعیدشدگان نیز به خواست معاویه به کوفه بازگردانده شدند؛ ولی به دستور خلیفه به حمص به نزد عبدالرحمن بن خالد فرستاده شدند.^۳ انتقال مالکیت «فی» عمومی و تبدیل آن به زمین‌های خالصه - که سرنوشت آن در دست خلیفه بود - اعتراضاتی در شهرهای کوفه، بصره و فسطاط برانگیخت و معترضان، خلیفه و وایانش را به حیف و میل مال‌الله متهم ساختند.^۴

در کنار این موارد، درباره سبب اعتراض‌ها نسبت به عثمان، گزارش یعقوبی را نیز می‌توان مورد توجه قرار داد. به گزارش وی، عثمان عطایای مردم را یکسان قرار داد^۵ و رسم عمر را در این زمینه برانداخت. اگر به این گزارش اعتماد شود، شمار بسیاری از بهره‌مندان از نظام مالی عمر، در نظام مالی جدید خسران دیده‌اند. عایشه، زبیر، طلحه و دیگر صحابه‌ای که به اعمال خلیفه می‌پیچیدند، در نظام مالی عمر از بالاترین عطایا برخوردار بودند. البته عثمان پیش‌تر در اوایل خلافت خود با بذل و بخشش و نرمش توانسته بود صحابه برجسته و قریش را آرام نگه دارد.^۶ به گزارش ابن‌سعد، قاریان قرآن نیز از عطایای بالایی در خلافت عمر برخوردار بودند. یکی از ملاک‌های وی در تعیین عطای سالیانه، میزان حفظ قرآن بود.^۷ شاید با ملاحظه همین مسئله بتوان درک کرد که چرا قاریان شالوده اصلی معترضان به عثمان را تشکیل می‌دادند. گزارش‌های

۱. ر. ک: نصر بن مزاحم، *وقعه صفین*، ص ۱۲۱؛ ابن‌شبهه، *تاریخ المدینه المنوره*، ج ۳، ص ۱۱۴۱؛ بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۵، ص ۱۵۲ - ۱۵۰؛ ابن‌أعثم، *الفتوح*، ج ۱، ص ۳۸۴، ۳۸۶، ۳۸۹؛ طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۴، ص ۳۱۸ - ۳۱۷، ۳۲۲ - ۳۲۳؛ ابن‌شبهه، *تاریخ المدینه المنوره*، ج ۳، ص ۱۱۴۱؛ ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۳، ص ۱۳۹ - ۱۳۸.

۲. طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۴، ص ۳۳۳.

۳. همان، ص ۳۲۲ - ۳۲۰.

۴. مادلونگ، *جانشینی حضرت محمد ﷺ*، ص ۱۳۴.

۵. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۱۷۳.

۶. مادلونگ، *جانشینی حضرت محمد ﷺ*، ص ۱۳۹.

۷. کتانی، *التراویب الإداریه*، ج ۲، ص ۱۹۹. در مقابل، بلاذری در *فتوح البلدان* نقل می‌کند که عمر با دادن عطا بر این مینا مخالف بود و از والی کوفه خواست که قاری بودن را ملاک قرار ندهد (ص ۴۳۸). با این‌همه، نظر به سیره عمر در توجه بسیار به قرآن‌آموزی، گزارش ابن‌سعد ترجیح دارد.

فراوانی از قاری بودن آنان سخن گفته‌اند.^۱ البته گویا این تنها یکی از زمینه‌های اعتراض بود و در این ماجرا، انگیزه‌های دینی و غیردینی به هم درآمیخته بود.

باری، چه انگیزه دینی در مخالفت با عثمان دخیل دانسته شود و چه انگیزه‌های مادی، پس از گذشت نیمی از خلافت وی، نکوهش‌ها آغاز شد^۲ و به تدریج، به اعتراض انجامید. میان ناراضیان مصری، کوفی و بصری احتمالاً در موسم حج - سال ۳۴ ق - امکان اعتراض به بحث گذاشته شد. آنان فتوا دادند که «تبدیل» عثمان غیرقابل تحمل است و قرار گذاشتند سال بعد به مدینه بازگردند تا از خلیفه بخواهند خواسته‌های‌شان را برآورد. بهررو، این سه گروه دوباره در مدینه گرد آمدند و سرانجام پس از مدتی که از محاصره خانه خلیفه می‌گذشت، برخی از ناراضیان به خانه وی درآمدند و - در ذی‌الحجه سال ۳۵ ق - او را از پا درآوردند.^۳

۱. هدف

اهداف طه‌حسین و هیندز آثار ایشان را کاملاً از یکدیگر متمایز می‌کند. هیندز هدف خویش را چنین بیان کرده است: «هدف این مقاله اثبات این است که مخالفان مصری عثمان ... فعال‌ترین مخالفان ایالتی و کسانی بودند که منافع ایشان نیز مانند قرآء کوفی در معرض آسیب قرار گرفته بود و نفوذ خویش را از دست داده بودند. مخالفت بصریان [نیز] - اگرچه کمتر [از دو گروه یاد شده] - ناشی از اسباب مشابهی بود و کوفیانی که در این رخدادها شرکت داشته‌اند، قرآء بودند که آماده پذیرش توافق موقتی کوفیان نبودند. سرانجام ... تلاش خواهد شد تا دسته‌های دیگری که همراه مخالفان ایالتی در مدینه حضور داشتند مشخص گردند و تعیین شود که منافع ایشان در کجا قرار داشته است».^۴

۱. ر. ک: نصر بن مزاحم، *وقعه صفین*، ص ۳۵۴، ۴۹۰ - ۴۸۹؛ صنعانی، *المصنف*، ج ۱۱، ص ۴۴۷؛ سیوطی، *الدر المشهور*، ج ۴، ص ۲۸۳. قاریانی که در قتل عثمان و حوادث مهم خلافت امام علی علیه السلام مانند جنگ صفین، بروز حکمیت و مُحَکِمَه و نبرد نهروان نقش اساسی داشتند، در میان برخی از خاورشناسان به‌عنوان یک گروه خاص سیاسی مطرح شده‌اند و مدخل Qurra' در EI2 به ایشان اختصاص یافته است. (Nagel, "Qurra", *E 12*, v. 5, p. 499 - 500)

۲. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۱۷۳.

۳. طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۴، ص ۳۴۹ - ۳۴۸، ۳۷۸؛ Hinds, "The Murder of Caliph 'Uthman", in: *International Journal of Middle East Studies*, V. 3, Issue 04, p. 457

ر. ک: ایمان دوست، «بررسی علل کشته شدن عثمان»، مندرج در: *مکتب وحی*، س ۶، ش ۱۸، ص ۱۰۸ - ۷۷؛ همو، «واکاوی علل کشته شدن عثمان»، مندرج در: *مکتب وحی*، س ۸، ش ۱۸، ص ۲۲۸ - ۱۸۱.

4. Hinds, "The Murder of Caliph 'Uthman", in: *International Journal of Middle East Studies*, V. 3, Issue 04, p.451.

اما طه حسین در نگارش *الفتنه الکبری* در پی پاسخ به این دو سؤال است: ۱. چگونه میان مردم دو دستگی و اختلاف افتاد؟ ۲. آیا مخالفت با عثمان مشروع بود یا نه؟ او در آغاز کتاب می‌نویسد: «می‌خواهم شخصاً حوادثی را که موجب شد این دو دسته به چنین فتنه‌ای درافتند بررسی و موشکافی کنم و آن حوادث و نتایج را که موجب دشمنی و تفرقه این ملت شد و تا امروز ادامه دارد و شاید تا به ابد هم بکشد، برای مردم تجزیه و تحلیل نمایم».^۱ او در آغاز فصل ۲۲ به بیان دیدگاه‌ها درباره نقش عثمان و کارهای او در بروز انقلاب پرداخته و گفته است که در آغاز هیچ کس با وی مخالفت نکرد و بنابراین، رهبری او مانند رهبری ابوبکر و عمر درست بوده است. او سپس می‌نویسد که آنچه در فصول بعدی بررسی خواهد کرد، انطباق رفتار عثمان با کتاب خدا، سنت پیامبر ﷺ و سیرت ابوبکر و عمر است. در مواردی که او به عهد خود وفادار نبوده، اطاعت او بر مسلمانان واجب نیست و اگر غیر از این باشد مسلمانان نمی‌توانند با او مخالفت کنند و آنچه را نهی کرده روا بدارند و یا بر او اعتراض کنند تا چه رسد که به مخالفت با او برخیزند و بر وی بشورند و او را محاصره کنند و بکشند.^۲

بنابراین، اساساً هدف دو نویسنده از بررسی رخدادهای این دوره متفاوت است. یکی به‌زعم خود با به‌کارگیری روش علمی، به دنبال بررسی مشروعیت مخالفت با عثمان است و دیگری - فارغ از آنکه مخالفت با عثمان مشروع بوده یا نه - در پی پاسخ به یک مسئله جزئی در منظومه‌ای است که پیش‌تر ابعادی از آن توسط دیگران بیان شده است.

۲. منابع

هیندز پس از بیان موضوع قتل عثمان، به معرفی منابع کهن و آثار محققان در این باره پرداخته است. منابع کهن مورد استفاده هیندز که به گفته او جزئیات این موضوع را دربردارند، *تاریخ الطبری و أنساب الأشراف* است.^۳ گویا طه حسین نیز از این دو کتاب بیش از دیگر منابع استفاده کرده است. اگرچه طه حسین همه منابع خود را ارائه نکرده، اما در مواردی که آنها را ذکر کرده نام این دو بیش‌تر به چشم می‌خورد^۴ و ظاهراً بهره او از اثر بلاذری - که آن را مهم‌ترین و

۱. حسین، *انقلاب بزرگ*، ص ۲.

۲. همان، ص ۱۸۶ - ۱۸۵.

3. Hinds, "The Murder of Caliph 'Uthman", in: *International Journal of Middle East Studies*, V. 3, Issue 04, p.450.

۴. به عنوان نمونه، ر. ک: حسین، *انقلاب بزرگ*، ص ۳۵، ۷۱، ۷۹، ۸۲، ۸۳، ۱۰۳، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۶۵، ۱۶۷، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲.

مفصل‌ترین کتاب شمرده - بیش از تاریخ طبری بوده است.^۱

چنان‌که به‌اختصار بیان شد، هیندز بر خلاف طه‌حسین، مقید به ذکر منابع است و از منابع فراوان و متنوع بهره برده است. او علاوه بر منابع مورد استفاده طه‌حسین، از منابع دیگری نیز استفاده کرده است. در این میان، *تاریخ الطبری* با ۶۴ مورد ارجاع و *أنساب الأشراف* با ۳۹ ارجاع از یک چاپ آن و ۱۴ ارجاع از چاپ دیگر، *فتوح مصر و اخبارها* با ۲۱ ارجاع، *الفتوح* با ۲۱ ارجاع، کتاب *الولاية و القضاة* کندی با ۱۵ ارجاع، *فتوح البلدان* با ۱۲ ارجاع و *تاریخ خلیفة بن خیاط* با ۱۰ ارجاع به ترتیب بیش‌ترین ارجاع را به خود اختصاص داده‌اند. پس از آن، *خطط مقریزی* با ۷ ارجاع، *الطبقات الکبری* با ۶ ارجاع، *وقعة صفین* با ۴ ارجاع و *تاریخ یعقوبی* با ۲ ارجاع در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از دیگر منابع مورد استفاده وی می‌توان از *سیر أعلام النبلاء*، *لسان العرب*، *مشاکلة الناس لزمانهم* نوشته یعقوبی، *معجم البلدان* و کتاب *سیر آباء البطارقة* یاد کرد.

میزان بهره دو نویسنده از پژوهش‌های جدید نیز تفاوتی فاحش دارد. در حالی که طه‌حسین اساساً از هیچ پژوهشی در کتاب خود بهره نبرده، هیندز از بسیاری از پژوهش‌های پیشین مرتبط با موضوع مقاله استفاده کرده است که از مشهورترین آنها می‌توان به محمد در مدینه^۲ اثر وات^۳ اشاره کرد.^۴ به‌طورکلی، یکی از تفاوت‌های بارز آثار پژوهشی با آثار نگاشته شده به شیوه سنتی، اشاره نویسندگان آثار پژوهشی به پیشینه پژوهش در موضوع مورد مطالعه است. هیندز در آغاز مقاله این‌چنین به پیشینه پژوهش خود اشاره می‌کند: سالنامه اسلام^۵، اثر به یاد ماندنی کاتسانی^۶، بخش اعظم گره‌ها درباره جزئیات این واقعه را باز می‌کند و ولهاوزن^۷، لوی دل‌ویدا^۸، گیب^۹، وچیا‌والیری^{۱۰} و پترسن^{۱۱} تنها برخی از دیگر دانشوران متأخرند که پیرامون این رخداد تحلیل و

۱. همان، ص ۱۴۰.

2. Muhammad at Medina. Oxford, (1956).

3. W. M. Watt.

۴. از دیگر پژوهش‌های جدید مورد استفاده وی می‌توان به این آثار اشاره کرد:

D. C. Dennett, Conversion and the Poll tax in Early Islam (Cambridge, Mass, 1925); R. Vesely, "Die Ansār im ersten Bürger Kriege(36 - 40 d. H)," in Archiv orientální, vol.xxvi (1958); H. I. Bell, Greek papyri in the British Museum, vol.iv; The Aphrodito papyri (London, 1910), introduction, especially p.xxiii, xxxvi - xxxvii.

5. Annali dell'Islam, Milano - Roma, U. Hœpli - Fondazione Caetani della Reale Accademia dei Lincei, 1905 - 1926, 10 voll. (repr. Georg Olms, New York, 1972).

6. Leone Caetani.

7. Julius Wellhausen.

8. Giorgio Levi Della Vida.

9. Hamilton Alexander Rosskeen Gibb.

10. Laura Veccia Vaglieri.

11. Erling Ladewig Petersen.

تفسیر کرده‌اند. هیندز برترین دیدگاه در این موضوع را از آن گیب در مقاله‌اش با عنوان «تفسیری درباره تاریخ اسلام» دانسته است. هیندز بررسی دیدگاه مورد نظر خود را پی گرفته است، ولی طه‌حسین اساساً نه تنها از پژوهش‌ها بهره نبرده بلکه نامی هم از آنها نبرده است. قصد هیندز در پی‌گیری نظر محققان پیشین با تعریف اصطلاحاتی چون «رهبران قبیله‌ای» و «گروه دینی» است و قصد دارد این نظر را که در زمان خلافت عثمان کشمکش اساسی میان مکیان و رهبران، قبیله‌ای بود، دوباره در ترازوی نقد بگذارد.^۱

طه‌حسین اساساً خود را چندان ملزم به ارائه مأخذ نمی‌بیند و بسیاری از مطالب در اثر وی فاقد مأخذ است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: قناعت عمر در عام‌المراده به زیتون، گزارشی که در آن عمر شتران صدقه را به دقت برای امام علی علیه السلام وصف می‌کند. طه‌حسین در ارجاع به طبری گاهی به خود او و گاهی به مأخذ وی ارجاع داده است. همچنین گاهی مأخذ خود را نام نبرده و تنها آورده است: راویان سخنان گوناگونی گفته‌اند بعضی می‌گویند ... بعضی می‌گویند ...^۲

بر خلاف طه‌حسین، مارتین هیندز در مقاله خود تنها به مأخذ طبری و امثال او استناد کرده است. او روایات را به کسانی چون سیف، ابومخنف، مدائنی، واقدی و ابن‌اعثم نسبت می‌دهد.^۳ در صورت وجود گزارش در چند مأخذ، تمام آنها را در ارجاع آورده است. به عنوان نمونه، درباره اینکه «ابومریم حنفی نخستین قاضی بصره بود» به طبری، بلاذری - در دو کتابش - و ابن‌سعد و خلیفه بن خیاط ارجاع داده است.^۴ او در آغاز مقاله، منابع خود را در پاورقی معرفی کرده و برای هریک از منابع خود یک علامت اختصاری ارائه کرده است. به عنوان نمونه، برای فتوح مصر و اخبارها علامت FM و برای فتوح البلدان علامت BF و برای تاریخ الطبری علامت Tab را برگزیده است.^۵

در مجموع، در مقایسه منابع دو اثر، آنچه بیش از دیگر تفاوت‌ها به چشم می‌خورد، کثرت منابع مورد استفاده هیندز و قلت منابع طه‌حسین است؛ به عنوان نمونه، طه‌حسین در ماجرای تبعید عامر بن عبدالله به شام، از یک گزارش موجود در تاریخ طبری غافل مانده است و از همین رو، به خطا، علت تبعید وی را گوشت نخوردن، زن نستاندن و به نماز جمعه نرفتن او دانسته است. در گزارش

1. Hinds, "The Murder of Caliph 'Uthman", in: *International Journal of Middle East Studies*, V. 3, Issue 04, p.450.

۲. ر. ک: حسین، انقلاب بزرگ، ص ۱۵ - ۱۴، ۶۸، ۸۲، ۲۲۶.

3. Hinds, "The Murder of Caliph 'Uthman", in: *International Journal of Middle East Studies*, V. 3, Issue 04, p.467, 466, 463, 460, 459.

4. See idem, p.461.

5. See idem, p.452.

مغفول مانده، سفارت وی از سوی بصریان به نزد عثمان، دلیل تبعید دانسته شده است.^۱ از لحاظ بررسی و نقد روایات، دو اثر هیندز و طه‌حسین تقریباً شبیه به یکدیگر هستند. آنان در دو اثر مورد مطالعه، چندان به پالایش و نقد روایات نپرداخته‌اند. طه‌حسین گاهی بدون دقت در صحت‌وسقم روایات، آنها را نقل کرده است. او گزارشی را - که شهیدی در پاورقی آن را از احادیث ساختگی دانسته - به سادگی پذیرفته است: پیغمبر ﷺ اصحاب خود را در لباس خانه می‌پذیرفت؛ ولی هنگامی که عثمان به خانه آن حضرت می‌آمد، لباس خود را مرتب می‌کرد و می‌گفت: چگونه از مردی حیا نکنم که ملائکه از او حیا می‌کنند.^۲

مارتین هیندز نیز صحت‌وسقم روایات را بررسی نکرده است. او بدون بحث درباره درجه اعتبار مصراع شعری، به آن استناد کرده است^۳ و مانند طه‌حسین، مضمون روایت مربوط به سبب مخالفت محمد بن ابی‌حذیفه با عثمان را پذیرفته است. به نوشته وی، شراب‌خواری محمد و شلاق خوردنش و عدم دریافت منصب از سوی عثمان باعث کینه او از خلیفه بوده است.^۴ این در حالی است که محمد از قاریان بسیار مشهور دوره عثمان بوده و در گزارشی، «أقرأ» شمرده شده است.^۵ شیوه رفتار قاریان صدر اسلام و زهد و تنسک و دینداری شدید ایشان با گزارش مورد استناد دو مورخ در تضاد است. البته با توجه به کمبود اطلاعات، شاید نتوان قاطعانه از انگیزه صرفاً دینی وی سخن گفت.

۳. توازن منطقی بخش‌ها و مطالب

به ندرت در اثر هیندز زوائد دیده می‌شود و از این لحاظ، تفاوت فاحشی با اثر طه‌حسین دارد. جز آنکه چهار بخش نخست کتاب طه‌حسین ارتباط اندکی به بحث او دارد، به‌طور کلی، در همه بخش‌های کتاب چندان توازن منطقی دیده نمی‌شود. اثر وی به فصل‌ها و بخش‌ها تقسیم می‌شود و در هر بخش بدون نظم منطقی، صرفاً یک یا دو موضوع بیان شده است. در بخش چهارم در آغاز از موضوعاتی مانند تولد، همسران، نسب، شرکت در جنگ‌ها و خلق‌وخوی عثمان

۱. طبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۳۳.

۲. حسین، انقلاب بزرگ، ص ۵۵.

3. Hinds, "The Murder of Caliph 'Uthman", in: *International Journal of Middle East Studies*, V. 3, Issue 04, p.457.

4. See idem, p.455.

۵. ر. ک: ابن‌شبه، تاریخ المدینة المنورة، ج ۳، ص ۱۱۱۹.

سخن گفته شده و در ادامه به طرح مسائل دوره خلافت عمر از فتوح و غنایم حاصل از آن تا مسئله دیوان عطا و شورای عمر و ... پرداخته شده است. از فصل ۱۴ تا ۲۱ درباره اشخاص و صحابه مرتبط با عثمان سخن گفته شده که در آغاز هر فصل، سابقه، جایگاه قبیله‌ای، فضایل و دیگر موضوعات بی‌ارتباط به بحث بیان شده است. بخش ۲۹ نیز موضوعی ثابت ندارد. در مقابل، اجزای اثر هیندز جز در چند موضع از نظم منطقی برخوردار است و بندها به صورت منطقی جدا شده و در مجموع، زوائد در این اثر کمتر دیده می‌شود.

۴. قوت و ضعف تحلیل‌ها و استدلال‌ها

۴-۱. تحلیل‌ها و استدلال‌های طه‌حسین

دو اثر طه‌حسین و مارتین هیندز به لحاظ قوت و ضعف استدلال‌ها و تحلیل‌ها در یک سطح نیستند. برخلاف اثر مارتین هیندز، جملات سست و نامفهوم و تحلیل‌های بی‌ارزش و کم‌مایه در *الفتنه الکبری فراوان* است. غلو در فضیلت‌تراشی، اعتماد بر روایات ساختگی، ساده‌نگری در تحلیل علل وقایع، پیوند دادن میان مقدمات و نتایج بی‌ارتباط و قضاوت بدون دلیل و سند از ویژگی‌های تحلیل‌های طه‌حسین در این اثر است. تحلیل‌های ضعیف و نادرست وی را می‌توان در مواردی دسته‌بندی کرد: ۱. تحلیل‌های مربوط به عثمان و والیان؛ ۲. تحلیل‌های مربوط به مخالفان عثمان؛ ۳. تحلیل‌های مربوط به دیگر صحابه.

۴-۱-۱. تحلیل‌های مربوط به عثمان و والیانش

بیشتر تحلیل‌های نادرست طه‌حسین - چنان که انتظار می‌رود - درباره عثمان است و ظاهراً این دیدگاه وی و همچنین تأیید دیگر صحابه (ر. ک: ادامه مقاله)، از اندیشه تقدس صحابه در مکتب فکری اهل سنت نشئت گرفته است.^۱ او درباره پیدایی احساس منفی نسبت به عثمان نوشته است: «من معتقدم از روزی که عثمان انگشتر پیامبر ﷺ را در چاه اریس گم کرد، خاطره فال بدی در نفوس مسلمانان پدید شد و کم‌کم این خاطره افزایش یافت».^۲ همچنین او با استدلالی ضعیف، روایت بخشودن عثمان از سوی ابن‌مسعود را بر روایتی که نشان‌دهنده عدم رضای ابن‌مسعود از وی است، ترجیح داده است: «آنچه با روش ابن‌مسعود قرآن را سازگار می‌باشد این است که عثمان را بخشیده است ... ابن‌مسعود از همه کس بیشتر می‌خواند و بهتر بدان عمل

۱. به‌عنوان نمونه، ر. ک: ابن‌حزم، *الإحکام فی اصول الأحکام*، ج ۵، ص ۸۹.

۲. حسین، *انقلاب بزرگ*، ص ۲۱۷.

می‌کرد. بدون شک او این آیه را خوانده است: «ولمن صبر و غفران ذلك من عزم الامور...»^۱. طه‌حسین یافتن نامه عثمان توسط مصریان را - که در راه بازگشت به ولایت خود بودند - به کلی رد کرده و آن را با طرح دلیلی سست، ساختگی دانسته و می‌نویسد: «به عقیده من این داستان از بُنِ مجعول است. بهترین دلیل ساختگی بودن این داستان این است که راویان می‌گویند وقتی اصحاب پیغمبر ﷺ درباره این نامه با مصریان بحث کردند و پرسیدند چگونه مردم بصره و کوفه دانستند شما چنین نامه‌ای را به دست آورده‌اید در صورتی که هر کدام از آنها پی کار خود رفته بودند؟ مصریان در جواب در ماندند و گفتند: هر طور می‌خواهید حساب کنید ما نیاز به این مرد - عثمان - نداریم. این نه معقول است و نه پذیرفتنی که بگوییم عثمان به مسلمانان نیرنگ زد...»^۲. در برابر، مارتین هیندز روایت را پذیرفته، ماجرا را بازگو کرده و درباره آگاهی عثمان از نامه به طرح مسئله بسنده کرده است.^۳

طه‌حسین در دفاع از عثمان، برخی از والیان او را نیز از لطف خویش محروم نساخته است. او در درستی روایت سهل‌انگاری سعد بن ابی‌وقاص در بازپرداخت وام به بیت‌المال کوفه و نزاع با ابن مسعود که به عزل سعد منجر شد، تردید کرده است. طه‌حسین فضایل سعد را شمرده و می‌نویسد: «کسی که چنین پایگاهی داشته باشد در پرداخت دین خود به بیت‌المال ... مسامحه نمی‌کند. ابن مسعود نیز درباره او به تردید نمی‌افتد و عثمان بر وی خشمگین نمی‌شود و یا درصدد تنبیه وی بر نمی‌آید تا آن که مال را از او بگیرد و او را ببخشد».^۴

مؤلف الفتنه الکبری در دفاع از ولید بن عقیبه، اشعاری از حطیبیه را بر اشعار دیگری از وی - که در ذم ولید است - ترجیح داده و «مرجح» خود را ذکر نکرده است.^۵ او همچنین در ذکر دلیل مخالفت کوفیان با ولید بن عقیبه، از درافتادن احتمالی ولید مضرّی با یمینان کوفه سخن گفته و سیاست روی‌آوری وی به غلامان و کنیزان و برقراری مقرری برای ایشان را مایه دلگیری و خشم یمانیان دانسته است.^۶ از لوازم استدلال وی آن است که مضرّیان کوفه دارای کنیز و برده نبوده باشند.

۱. همان، ص ۱۷۲ - ۱۷۱. برای نظر قاضی عبدالجبار و پاسخ شریف مرتضی در این باره ر. ک: شریف مرتضی، الشافی، ج ۴، ص ۲۸۶ - ۲۷۹.

۲. حسین، انقلاب بزرگ، ص ۲۲۹.

3. Hinds, "The Murder of Caliph 'Uthman", in: *International Journal of Middle East Studies*, V. 3, Issue 04, p.457.

۴. حسین، انقلاب بزرگ، ص ۹۷.

۵. ر. ک: همان، ص ۱۰۲ - ۱۰۱.

۶. ر. ک: همان، ص ۱۰۴ - ۱۰۳.

۴ - ۱ - ۲. تحلیل‌های مربوط به مخالفان عثمان

طه‌حسین با طبقاتی شمردن منازعه و فتنه به وجود آمده در زمان خلافت عثمان، مخالفان وی را به طور ضمنی برخاسته از توده‌های فقیر جامعه دانسته است. او آورده است: «... سرمایه‌های بزرگی پیدا شد و در آغاز اسلام طبقه‌ای پدید گردید مانند فئودال‌هایی که در پایان دوره جمهوری روم قدیم به وجود آمدند و جمهوریت را از بین بردند. خلافت اسلامی را نیز همین طبقه از پا درآورد و چنان که اقلیتی ضعیف در روم مالک زمین‌ها شدند و مردم بدان‌ها پیوستند و به دنبال آن احزاب پدید آمد، اقلیتی هم از مسلمانان زمین‌ها را تصرف کردند و مردم بدان‌ها متمایل گشتند و احزابی به وجود آوردند. نتیجه رژیم اقتصادی که عثمان ... به وجود آورد، به این جا ختم نشد ... بلکه زیان اجتماعی را نیز به دنبال داشت؛ زیرا با پیدایش این انقلاب، فاصله طبقاتی بیش‌تر شد ... پس این انقلاب انقلابی عربی بود که از کشمکش ثروتمندان بر سر پول و نیرو و از کینه توده نسبت به سرمایه‌داران ریشه می‌گرفت»^۱. نگاهی این چنین کلی به حوادث صدر اسلام، غیردقیق و نادرست به نظر می‌رسد. برخی از معترضان به عثمان از اشراف عراق و مصر بودند. یکی از گزارش‌های موجود در تاریخ طبری درباره اعتراض اصحاب مالک‌اشتر نسبت به سعید بن عاص، به صراحت از تعلق ایشان به طبقه اشراف سخن گفته است.^۲

او درباره محمد بن ابی‌حُدَیْفَه و محمد بن ابی‌بکر می‌نویسد: «تا آنجا که می‌دانیم هیچ دلیلی برای خشم این دو جوان نیست مگر آتش کینه و غضبی که عثمان در سینه جوانان قریش و غیرقریش برافروخت و مردم شایسته و کاردان را که کوشش‌ها کرده و رنج‌ها دیده بودند از شغل‌های دولتی محروم کرد و پست‌های حساس را به گروهی دیگر داد که نه سابقه‌ای داشتند نه قدر آنان بزرگ بود نه به سیرت پسندیده شناخته می‌شدند»^۳. این دو محمد، خود دلیل خشم‌شان را نسبت به عثمان بیان کرده‌اند: ۱. سیره شیخین در دوره وی تغییر یافته؛ ۲. او ابن‌ابی‌سَرْح را بر مصر گماشته که پیامبر ﷺ خونس را مباح اعلام کرده و ۳. به جای اصحاب رسول الله ﷺ، خویشان خود را به کار گرفته است.^۴ افزون‌بر آن، این ملاک طه‌حسین هر دوره‌ای را می‌تواند دربرگیرد که در آن کسانی در مقابل افراد لایق بر مسند نشانده شده‌اند؛ در حالی که نمونه‌های مشابهی در دوره‌های دیگر می‌توان یافت، مانند گماشتن معاویه به حکومت شام در

۱. همان، ص ۱۱۵ - ۱۱۴.

۲. طبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۲۶.

۳. حسین، انقلاب بزرگ، ص ۱۳۶.

۴. طبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۹۲.

دو گزارش از یک واقعه تاریخی: مطالعه تطبیقی نگاه طه‌حسین و مارتین هیندز به قتل خلیفه سوم □ ۶۳

خلافت عمر (۲۳ - ۱۳ ق) که با مخالفتی روبه‌رو نشد. در خلافت عثمان (۳۵ - ۲۳ ق) نیز کسان دیگری از قریش وجود داشتند که از سفره مناصب بهره‌ای نبردند و نشوریدند. افزون بر آنچه گفته شد، طه‌حسین به گزارش پدیدار شدن بیماری خوره در ران جهجاه غفاری که چوب‌دست عثمان را شکسته بود^۱ و روایت شراب خوردن محمد بن ابی‌حذیفه و حد زدن او توسط عثمان^۲ اعتماد کرده است.

۴ - ۱ - ۳. تحلیل‌های مربوط به دیگر صحابه

زمینه فکری طه‌حسین درباره صحابه به‌ویژه خلفای نخستین و رویکرد و نگرش او نسبت به ایشان، چنان او را در نوشتن تاریخ متأثر ساخته که در این راه، برخلاف اسلوب علمی، حتی به پیش‌بینی حوادث پرداخته است. ابوبکر و عمر در نظر وی با یکدیگر چندان تفاوتی نداشته‌اند و بر پایه همین، درباره ابوبکر پیش‌بینی کرده است: «من گمان دارم اگر ابوبکر عمری طولانی می‌یافت و فتوحات و کشورگشایی و مسایل گوناگون و مشکلات روزافزون را که روزگار عمر پدید آمد می‌دید و با چنان تطور سریع روزانه روبه‌رو می‌گشت ... بی‌شک راهی که عمر انتخاب کرد پیش می‌گرفت و در تعیین جانشین یا تعیین نکردن آن مردد می‌ماند و شاید قانونی می‌نهاد نزدیک بدان چه عمر برای انتخاب خلیفه تثبیت کرد ...»^۳ و در جایی دیگر می‌نویسد: «اگر خلافت ابوبکر ادامه داشت چیزهای شگفت در این باره از او می‌شنیدیم»^۴. او درباره پسر عثمان نیز آورده است: «عثمان از رقیه پسری به نام عبدالله داشت که در سن شش سالگی درگذشت و نزدیک بود عثمان را از دختران پیغمبر ﷺ فرزندی نصیب شود. اگر عبدالله زنده می‌ماند شاید او و پدرش رتبه‌ای بلند داشتند و از حسن و حسین فرزندان فاطمه کمتر نبودند»^۵.

او در جایی دیگر در وصف خلافت عمر و شخص او راه اغراق پیموده است: «... نباید گفت چرا عمر بر همه این مشکلات پیروز گشت زیرا عمر از نوابغی بود که انسانیت جز در فرصت‌های کم بدان دست نمی‌یابد. این‌ها کسانی هستند که جانشینان خود را به زحمت می‌افکنند و کار آنها را دشوار می‌سازند. اگر اندک احتیاط و ملاحظه‌ای در پیش نبود می‌گفتیم مسئول اول و آخر

۱. حسین، انقلاب بزرگ، ص ۲۳۱.

۲. همان، ص ۱۳۴ - ۱۳۳.

۳. همان، ص ۵۷.

۴. همان، ص ۱۴.

۵. همان، ص ۵۴. برای موارد دیگر، ر. ک: همان، ص ۹، ۷۰، ۸۱ - ۸۰، ۲۰۰، ۲۱۲.

بلاهایی که دامن‌گیر عثمان و اصحاب او گردید، نوع بی‌اندازه‌ای است که نصیب عمر شده بود و هیچ‌کس از اصحاب او و از جمله عثمان چنان نبوغی را نداشتند.^۱

طه حسین درباره زبیر نیز می‌نویسد: «زُبیر ... پسر عمه پیامبر ﷺ بود و خدیجه عمه زبیر و بنابراین، فاطمه ﷺ دختر عمه زبیر بود و زبیر با ابوبکر نیز خویش نزدیک بود؛ زیرا أسماء دختر ابوبکر را به زنی گرفت و بدین جهت خویشاوندی او با پیامبر ﷺ محکم‌تر گشت ... با این خویشاوندی تقریباً می‌توان زبیر را در زمره اهل بیت محسوب داشت.»^۲ نمی‌توان دانست که چگونه طه حسین خویشاوندی زبیر با ابوبکر را سبب استحکام خویشاوندی با پیامبر ﷺ دانسته و از آن، تعلق زبیر به اهل‌البیت را استنباط کرده است.

۴-۲. تحلیل‌ها و استدلال‌های مارتین هیندز

در مقابل، مارتین هیندز مقاله خود را در جهت اثبات فرضیه خود تا حدودی بر پایه‌هایی تقریباً علمی بنا نهاده است. او از جنبه‌های گوناگون به بررسی موضوع خود پرداخته است. هیندز بر اساس کتاب ابن‌عبدالحکم و با توجه به وضع خَطَطُ فُسْطَاط، به وضع پیش آمده پس از آمدن تازه‌واردان به مصر توجه خاصی داشته و اثبات کرده است که پس از ورود ایشان، از قدرت و نفوذ پیشینیان کاسته شد.^۳ از جمله استدلال‌های استوار او مطالبی است که درباره جدایی خُرْقُوص بن زُهَیْر، ابومریم حَنَفی و حکیم بن جبَلَه از قبایل خود بیان کرده است،^۴ اگرچه آنچه درباره خُرْقُوص گفته شده از مدرکی غیرشایسته فراهم آمده است. هیندز این مطالب را در راستای تأیید نظر خود بیان کرده است، او بر آن است که نام‌برندگان رهبران برکشیده عمر بودند که منافع‌شان در خلافت عثمان به خطر افتاده بود.

از دیگر تحلیل‌های جالب وی مطالبی است که درباره وضع امام علی ﷺ پیش و پس از قتل خلیفه آورده است. او می‌نویسد: «علی بیش از آن نتوانست کاری کند؛ زیرا با حمایت از عثمان از بنی‌امیه حمایت می‌کرد و نتوانست مدینه را ترک کند، زیرا نمی‌خواست به طلحه اجازه دهد از مرگ عثمان بهره‌برداری کند. بنابراین، او چاره‌ای جز ماندن در کنار گود نداشت.»^۵ دیدگاه او درباره عقیم

۱. همان، ص ۲۳۸.

۲. همان، ص ۱۵۴.

3. Hinds, "The Murder of Caliph 'Uthman", in: *International Journal of Middle East Studies*, V. 3, Issue 04, p.454.

4. Idem, p.461 - 462.

5. Idem, p.467.

ماندن تلاش عثمان برای جلب نظر طلحه نیز جالب است: طلحه «به طور فزاینده‌ای منتقد عثمان شد و مال او موجب عقیم ماندن تلاش‌های عثمان برای به‌دست‌آوردن همکاری وی شد»^۱.

گاهی مارتین هیندز تنها به طرح مسئله می‌پردازد و آن را به همان صورت وا گذاشته و بررسی نمی‌کند. سخن وی درباره آگاهی عثمان از نامه‌ای که برای تنبیه مخالفان مصری نوشته شده بود، پیش‌تر از نظر گذشت. او درباره عایشه نیز می‌نویسد: «اندکی می‌توان تردید داشت که او آرزو کرده باشد عثمان کشته شود و طلحه زمام امور را به دست گیرد»^۲.

معدودی از تحلیل‌های هیندز نیز سست یا نادرست است. با آنکه برخی از صحابه از «تبدیل»، «تغییر» و بدعت‌های عثمان سخن می‌گفتند، هیندز در بحث خود درباره ایشان می‌نویسد: «شکایات اینان و افراد مشابه نشانه‌هایی از موقعیتی بود که در آن اهمیت اصول رهبری و سابقه اسلامی که ساخته و پرداخته عمر بود، کمتر و کمتر شده بود. بنابراین، این صحابه اساساً به تنزل اهمیت خود اعتراض داشتند»^۳. اگرچه این سخن هیندز صحیح به نظر می‌رسد، او توجهی اگرچه اندک به انگیزه دینی برخی از صحابه مانند ابوذر نکرده است.

از دیگر مطالب نادرست هیندز، عباراتی است که درباره صَعَصَعَة بن صُوحان بیان داشته است و از عدم دقت در اسامی تبعیدشدگان کوفی به شام و جزیره نشأت می‌گیرد. او در این باره می‌نویسد: «... در این باره می‌توان خاطر نشان کرد که تنها شکایت خاص گزارش شده از سوی یک کوفی در حوادث سال ۳۵ ق در مدینه، شکایت صَعَصَعَة بن صُوحان بود که به عثمان گفت: ما از دیارمان تبعید شده‌ایم. جای قرار گرفتن این عبارت در قرآن نشان می‌دهد که صَعَصَعَة به عنوان جواز برداشتن سلاح برضد عثمان بدان استناد کرده است. ولی در عین حال، نشانه‌ای دیگر از منافع از دست‌رفته‌ای است که در مورد صَعَصَعَة احتمالاً در جزیره^۴ بوده است»^۵. برداشت مارتین هیندز از این سخن صَعَصَعَة نادرست است؛ زیرا صَعَصَعَة بدان سبب این سخن را گفت که پیش‌تر به همراه شماری دیگر از قرآء کوفی به شام و سپس جزیره تبعید شده بود.^۶ جُنْدَب بن زُهَیْر از دیگر تبعیدشدگان نیز در زمان حرکت برای جنگ با معاویه سخنی مشابه بر زبان راند.^۷ ارتباط

1. Idem, p.466.

2. Idem.

3. Idem, p.465.

۴. ایالتی که بخش اعظم آن تقریباً در شمال کشور عراق کنونی قرار داشت.

5. Hinds, "The Murder of Caliph 'Uthman", in: *International Journal of Middle East Studies*, V. 3, Issue 04, p.459.

۶. ر. ک: ابن‌اعثم، الفتح، ج ۱، ص ۳۸۴.

۷. نصر بن مزاحم، وقعة صفین، ص ۱۲۱.

صَعَصَعَه با شهر آمد، واقع در ایالت جزیره، از زمان فتح آن به وسیله اعراب، هیندز را بدین دیدگاه نادرست سوق داده است. او در پاورقی به مراجع آن اشاره کرده است.^۱

هیندز «قرآء» خوانده نشدن مخالفان بصری و مصری را نیز به گونه‌ای عجیب تحلیل کرده است: «مخالفان مصری و بصری عثمان کمتر از مخالفان کوفی درباره نظم اسلامی عمر داد سخن داشتند و شاید بدین دلیل باشد که خود را «قرآء» نامیدند».^۲

۵. جزئی یا کلی‌نگری

یکی از تفاوت‌های اساسی پژوهش‌های جدید با آثار سنتی شرقی، در وسعت نگاه به وقایع و علل آن است و دو اثر مورد بحث در این زمینه تفاوتی اساسی دارند. به طور کلی، به نظر می‌رسد پژوهش‌های جدید بیشتر جزءنگرند و آثار سنتی شرقی به کل‌نگری گرایش دارند. در حالی که طه‌حسین بیش‌تر به بررسی کل حادثه و تبیین علت آن گرایش دارد، هیندز چنان‌که اشاره شد، در پی پاسخ به یک مسئله جزئی درباره قتل عثمان است. طه‌حسین با بیان رخدادها، در پی ارائه تصویری کلی از آن دوره است تا علت قتل خلیفه را نه بر گردن افراد، بلکه محیط و شرایط بیاندارد. او در همین راستا به موضوع اذن عثمان به صحابه و قریش برای خارج شدن از مدینه و عزیمت به خارج شبه‌جزیره اشاره کرده و سیاست عمر را در این باره - که عکس رفتار عثمان بود - از فرط علاقه‌اش به مسلمانان دانسته و می‌نویسد: عمر «چون از نفوذ آنان و ثمره بدی که بر این نفوذ مترتب است می‌ترسید، راه سفر را بر آنها بست».^۳ او همچنین می‌نویسد: «تا آنان در مدینه بودند کار مسلمانان و کار این دسته مرتب بود ولی همین که عثمان به خلافت رسید و به آنها آزادی داد، ... روی زمین را فتنه فراگرفت، نه از آن جهت که این طبقه فتنه‌انگیز و ماجراجو بودند بلکه چون از یک سو، به فراهم کردن مال و جمع‌آوری اصحاب پرداختند و از سوی دیگر، مردم آنان را به فتنه درافکندند و هریک از رؤسای این دسته، فعالان و یاوران و دوستانی یافتند».^۴

طه‌حسین درباره عوامل بدعت، سخن عثمان را نقل و تأیید می‌کند. او می‌نویسد: «در نامه‌ای که عثمان برای خواندن در مجامع عمومی شهرها نوشته بود، سه چیز عامل بدعت امت دانسته

1. See Hinds, "The Murder of Caliph 'Uthman", in: *International Journal of Middle East Studies*, V. 3, Issue 04, p. 459.

2. Idem, p.464.

۳. حسین، انقلاب بزرگ، ص ۴۸.

۴. همان.

شده است: فراخی نعمت، بالغ شدن کنیزان، قرآن خواندن اعراب و عجم‌ها.^۱ طه‌حسین گمان ندارد که «کسی آفت‌هایی را که پس از فتح به مسلمانان رسید مانند عثمان مجسم کرده باشد، زیرا نعمت ایشان فراوان شد و به طمع و سرکشی درافتادند و کنیززادگان بزرگ شدند و به تکلف و بدعت دست گشودند و حوادثی بزرگ پدید آمد و مردمی که قرآن را چنان که باید نمی‌دانستند به اسلام درآمدند؛ به ناچار دسته‌ای راه سهل‌انگاری و گروهی طریق سخت‌گیری را پیش گرفتند و حق بین این دو دسته از میان رفت ...»^۲.

طه‌حسین درباره بذل و بخشش عثمان میان مردم نیز استنباطی کلی دارد: «عثمان تنها به افزایش مقرری‌ها اکتفا نکرد بلکه به گفته مورخان برای اولین بار مردم شهرها را طلبید که برای گرفتن مال و جایزه نزد او بیایند و این ولخرجی بود که عمر نه هیچ‌گاه قصد آن را کرد و نه به فکر آن افتاد. عمر برای مردم مدینه در روزهای ماه رمضان روزی یک درهم مقرر کرده بود و به زنان پیغمبر ﷺ دو درهم می‌داد تا بدین مبلغ در زندگانی گشایشی باشد ... ولی چون عثمان به خلافت رسید در ماه رمضان علاوه بر پرداخت مقرری‌های زمان عمر دستور داد سفره‌ها ترتیب بدهند تا مسافران و مردم حاجتمند بر سر آن بنشینند. شک نیست که این نمونه‌ای از نیکی و ارفاق است ولی بدون تردید این کار مردم را به طمع در اموال عمومی می‌اندازد و آنها را وادار می‌کند که هر چه بیشتر از این اموال استفاده کنند. اینها گشایش‌هایی بود که عثمان در کار مردم داد که شاید بد نبوده است، ولی موجب زیان اخلاقی و سیاسی است و طعنه و بدگمانی را نیز به دنبال دارد ... وقتی عثمان مقرری‌ها را بیافزاید و پاداش و جایزه را هم بدان اضافه کند، سپس این مردم مالدار را رخصت دهد که به هر جا که می‌خواهند بروند و با سربازان غالب و رعیت مغلوب درآمیزند، شگفت نیست که از طرفی ثروت این عده افزوده گردد و از طرف دیگر یاران و مددکارانی بسیار بیابند و هرکس از ایشان رئیس حزبی شوند که او را برای زمامداری مسلمانان لایق‌تر بدانند ...»^۳.

طه‌حسین در همه جای اثر خود نگاهی کلی به حوادث این دوره دارد و در پایان می‌نویسد:

شاید تنها عذری که می‌توان برای شورشیان آورد - و عذر عثمان و دیگر کسانی [نیز] که پس از این واقعه به جان هم افتادند ... می‌باشد - این است که محیط

۱. همان، ص ۷۵.

۲. همان، ص ۷۶.

۳. همان، ص ۸۰ - ۷۹.

از همه این‌ها قدرتی بیش‌تر داشت و تقدیر خدایی بود که مسلمانان در دین و دنیای خود دست‌خوش چنین انقلاب بزرگی شوند ...^۱

در مقابل طه‌حسین که کلی‌نگری، اثر او را از واقعیت ملموس دور کرده، مارتین هیندز به کوچک‌ترین جزئیات توجه دارد و با بررسی رخداد‌های مربوط به قتل عثمان، به دنبال علل مستقیم بروز آنها است و بررسی جزئی‌ترین موضوعات به اثر وی جنبه‌ای عینی بخشیده است. جزئی‌نگری هیندز به خوبی در استدلال وی درباره میزان نفوذ محمد بن ابی‌حذیفه بر یاران خویش مشاهده می‌شود: «یکی از گزارش‌های کندی ممکن است به نظر اغراق‌آمیز آید که می‌گوید: «همه مصریان با او - ابن‌ابی‌حذیفه - همراهی کردند به‌جز گروهی که معاویه بن حذیج و بُسر بن ابی‌أرطاه در میان ایشان بودند»، ولی استعمال واژه «تَابِعَ» یعنی همراهی کردن به جای «تَبِعَ» یعنی پیروی کردن ... حاکی از آن است که ابن‌ابی‌حذیفه قادر نبود بر حوادثی که در به راه انداختن آنها سهم داشت، کنترل داشته باشد».^۲

۶. تفاوت دیدگاه درباره عثمان

طه‌حسین به ظاهر اثر خود را به «روش مغرب‌زمینیان»^۳ نوشته و چنان که خود ادعا می‌کند می‌خواهد این داستان را با نظری فارغ از احساس و هواوهوس بنگرد.^۴ او که تصور می‌کند نه دوست عثمان است و نه شیعه علی، کوشیده است اثری غیرجانبدارانه پدید آورد و از دیدگاه خود چنین یاد می‌کند: «نظر مورخ بی‌طرفی که خود را کاملاً از عاطفه، تعصب و هوای نفس بر کنار داشته است».^۵ سید جعفر شهیدی نیز بر آن است که «در مباحث این کتاب جنبه درایت بر روایت مقدم است».^۶ با این همه، در همه جای کتاب، ناخودآگاه از عثمان دفاع کرده است. مترجم می‌نویسد: «... ولی ما خودمانیم چرا از استاد توقع بی‌جا داریم؟ لکن ما به خوبی می‌فهمیم آن‌جا که استاد برای دفاع از خلیفه مقتول به دست و پا می‌افتد، در محذور است. استدلال‌ها و عبارات کتاب نیز این ادعا را تأیید می‌کنند و نشان می‌دهد که استاد با آنکه وعده داده است حقیقت را

۱. همان، ص ۲۴۵ - ۲۴۴.

2. Hinds, "The Murder of Caliph 'Uthman", in: *International Journal of Middle East Studies*, V. 3, Issue 04, p.455.

۳. حسین، انقلاب بزرگ، مقدمه مترجم، ب.

۴. همان، ص ۲ - ۱.

۵. همان.

۶. همان، مقدمه مترجم، ط.

بگوید، از اظهار آن معذور بوده و چرا معذور نباشد؟ مگر او هم مانند ما در کشوری زندگی نمی‌کند که شعار «أَسْتُرُ ذَهَبَكَ وَ ذِهَابَكَ وَ مَذْهَبَكَ» بر آن حاکم است. مگر هو و جنجال و آشوبی را که کهنه‌پرستان به دنبال کتاب او به راه انداختند فراموش کرده است. مگر بی‌کار است که به خاطر ابوذر سال خورده و عمار فرسوده سر پیری ریش خود را به دست بچه‌طلبه‌های الأزهر دهد.^۱

تأثیر مذهب بر اثر طه‌حسین را از همان مقدمات بحث او درباره وضع خلافت پیش از عثمان می‌توان دریافت. او در موضعی از پیامبر ﷺ یاد کرده و بی‌درنگ «دو یار» و «دو خلیفه او» را در پی می‌آورد^۲ و بدین وسیله، خلافت خلفای اول و دوم را از خلافت خلیفگان سوم و چهارم جدا می‌کند. او در جای دیگر می‌نویسد: «خلافت ابوبکر و عمر مخالفی جز سعد بن عباده نداشت و کسی به مخالفت او توجهی نکرد».^۳ این سخن نادرست است؛ زیرا مخالفان خلافت ایشان محدود به سعد نبوده است. طه‌حسین بر آن است که مهاجران و انصار آن دو را برگزیدند^۴ که دست‌کم درباره خلافت عمر نادرست است. درباره بخشش قاتل هرمزان توسط عثمان آورده است: «... بدون شک رأی عثمان در چنین مسئله‌ای، سیاست او را از سیاست عمر جدا نمود و نرمی و مدارای او را در کارها معلوم گردانیده. با این وصف، مردمان عثمان را به خاطر چنین رأیی محکوم نکردند و نباید بکنند، زیرا خود آنان در این مسئله دو دسته بودند و عمر در دل‌های آنان منزلتی داشت و می‌دیدند عثمان رعایت کسان و فرزندان او را می‌کند و همچنین پیغمبر ﷺ فرموده است: حدود را باید به خاطر شبهات وا گذاشت و شاید عثمان درباره عبیدالله دچار شبهتی گردیده است که شاید وی تحت تأثیر قتل پدر واقع شده و شدت غضب قوه تفکر او را سلب کرده است و همچنین خدا عفو را به هنگام قدرت ستوده»^۵ است. طه‌حسین این رفتار عثمان را از لحاظ سیاسی، عملی سنجیده دانسته و می‌نویسد: «... باز می‌گوییم عثمان ولی امر مسلمانان بود و به حکم این ولایت می‌تواند قاتلی را ببخشد و هنگامی که عبیدالله را بخشید، خون هرمزان را هدر نساخت و حدی از حدود خدا را راکد نگذاشت؛ بلکه خون‌بهای کشتگان را از مال خود به بیت‌المال پرداخت».^۶ او پس از توجیه برخی از بدعت‌های عثمان مانند عفو عبیدالله

۱. همان، ز - ح.

۲. همان، ص ۳۱، ۳۳ و ۲۳۷.

۳. همان، ص ۱۸۵.

۴. همان، ص ۳۰.

۵. همان، ص ۷۱ - ۷۰.

۶. همان، ص ۶۸.

می‌گوید: «این‌ها ایراداتی است که مخالفان از جنبه دینی بر عثمان گرفته‌اند و چنان که دیدیم بیش‌تر آنها وارد نیست. ولی داستان حَکَم و فرزندان او تنها مسئله‌ای است که دفاع از آن بر عثمان دشوار است؛ ولی به هر حال از مسائلی نیست که زیانی به دین وی برساند، بلکه او مخالفت با سنتی از سنن کرده است و به خطا یا ثواب آن را تأویل نموده و به هر حال، اصلی از اصول دین را تغییر نداده و رکنی از ارکان آن را ویران نکرده است و دیگر آنکه او مردی است که دست‌خوش خطا و ثواب می‌شود و همه پیشوایان نمی‌توانند مانند ابوبکر و عمر باشند»^۱. در توجیه سیاست مالی عثمان نیز توجه را به وضع مالی او پیش از تصدی خلافت جلب کرده است و می‌نویسد: «ابوبکر و عمر چنین شرایطی ندارند و عثمان چون در دوره تصدی خلافت روش دیرین را ترک نکرده و از طرفی مال او کفاف خرج او را نمی‌کرد، ناچار به خود حق داد به مقدار درآمد تقریبی که از مال خود در صورت کار کردن می‌توانست به دست آورد، از اموال مسلمانان بردارد»^۲. طه‌حسین سخن عبدالرحمن بن عوف به علی رضی الله عنه را که گفت: «اگر می‌خواهی شمشیرت را بردار تا من هم شمشیرم را بردارم و با او جهاد کنیم» و سخن عبدالرحمن در حال احتضار را - که گفت: «پیش از آنکه عثمان بر خود و بر شما اسراف کند، کار او را بسازید» - بدون دلیلی قانع‌کننده دارای تکلف و مبالغه راویان دانسته است.^۳

با این‌همه، در مواضعی معدود انصاف یا عدم تعصب طه‌حسین را درباره صحابه از جمله عثمان می‌توان مشاهده کرد. او در فصل ۲۴ که به سیاست اداری عثمان می‌پردازد، عزل و نصب‌های وی را نادرست دانسته و مردمی‌را که به خاطر این سیاست در مَضِیقه افتادند یا بر عثمان خرده گرفتند، بی‌گناه دانسته است و دفاع سنیان و معتزلیان از او را بی‌پایه دانسته است.^۴ او در جایی دیگر مخالفت طلحه با عثمان را ناشی از طمع او دانسته است.^۵

نتیجه

شاید بتوان نشان داد که انگیزه‌های دینی چگونه و تا چه اندازه در گزارش و تحلیل حوادث تاریخی اثرگذار هستند. با آنکه طه‌حسین در *الفتنة الکبری مدعی* است که صرفاً در پی کشف

۱. همان، ص ۱۹۹.

۲. همان، ص ۲۰۵.

۳. همان، ص ۱۵۰ - ۱۴۹.

۴. همان، ص ۲۰۳ - ۲۰۱.

۵. همان، ص ۱۵۸.

دو گزارش از یک واقعه تاریخی: مطالعه تطبیقی نگاه طه‌حسین و مارتین هیندز به قتل خلیفه سوم □ ۷۱

حقیقت است، نتوانسته از تأثیر این انگیزه‌ها یا ملاحظات برکنار ماند. از سوی دیگر، مارتین هیندز برخلاف کسانی چون طه‌حسین، انگیزه‌های غیرمادی همانند احساس مسلمانان درباره بدعت‌های عثمان را به‌کلی نادیده گرفته است.

مهم‌ترین وجه تمایز دو اثر در شیوه نگاه نویسندگان آنها به حوادث و همچنین هدف ایشان از پرداختن به این موضوع تاریخی است. اثر طه‌حسین کلی‌نگر است و از آغاز، هدف خود را ترسیم کلیتی از فضای خلافت عثمان قرار داده است تا بدین وسیله، مشروعیت انقلاب برضد عثمان را بررسی کرده و مخالفت با او را نه بر گردن وی، بلکه بر کرده روزگار ببیناند. در برابر، مارتین هیندز برای یافتن علل و زمینه‌های قیام به تمایلات خاص مخالفان عثمان توجه کرده و به جزئیات گزارش‌ها پرداخته تا پژوهش او تا حد امکان عینی باشد. با این وصف، ظاهراً هدف طه‌حسین از آغاز روشن بوده است: تطهیر ضمنی خلیفه و عاملان قتل او و انداختن گناه بر گردن تقدیر و سرنوشت. همه صحابه در دیدگاه وی جایگاه مقدسی داشته‌اند و او در تخطئه عثمان یا هر صحابی دیگر در معذور بوده است. در عین حال، او نتوانسته از کنار برخی از گزارش‌های تاریخی به سادگی گذر یا آن را توجیه کند و حقیقت را بیان کرده است.

بسیاری از استدلال‌ها و برداشت‌های طه‌حسین سست و نادرست است. در عین حال، هیندز نیز در موارد معدودی تحلیل‌های سستی دارد؛ با این‌همه، او در اثر خود از بررسی و تحلیل دقیق جزئیات، هدفی جز رسیدن به گزاره‌های تاریخی تا حد امکان عینی نداشته است؛ اگرچه او نیز در عین بی‌طرفی و دوری از تعصب، در مواردی مانند تحلیل گزارش مربوط به محمد بن ابی‌حدیفه به خطا رفته است. به نظر می‌رسد ریشه برخی از خطاهای وی دیدگاه صرفاً مادی وی به حوادث و نادیده گرفتن انگیزه دینی برخی از مخالفان بوده است.

از دیگر موارد اساسی اختلاف، شیوه استفاده از منابع است. بر خلاف طه‌حسین که اساساً خود را چندان ملزم به ارائه مأخذ نمی‌بیند، هیندز مقید به ذکر منابع است و از منابع فراوان و متنوع و بسیاری از پژوهش‌های پیشین بهره برده است. او مطالب را بیش‌تر به راوی متقدم گزارش‌ها مانند سیف و ابومخنف ارجاع می‌دهد. با این‌همه، هیچ یک از دو نویسنده روایات را پالایش نکرده‌اند.

منابع و مأخذ

۱. ابن‌اثیر، ابوالحسن علی، *الکامل فی التاریخ*، بی‌جا، دار صادر و دار بیروت، ۱۳۸۶ ق.

۲. ابن‌اعثم، احمد، *الفتوح*، بیروت، دار المکتبة العلمیه، ۱۴۰۶ ق.

۳. ابن حبيب، ابو جعفر، المحبّر، تحقيق ايلزه ليختن شتير، بيروت، دار الآفاق الجديدة، بی تا.
۴. ابن حزم، ابو محمد، الاحكام فى اصول الاحكام، تحقيق أحمد محمد شاکر، تقديم احسان عباس، بيروت، دار الآفاق الجديدة، بی تا.
۵. ابن شبة، ابوزيد، تاريخ المدينة المنورة، تحقيق فهم محمد شلتوت، جده، بی تا، ۱۳۹۹ ق.
۶. ابن قتيبة، عبدالله، المعارف، تحقيق ثروت عكاشه، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۲ م.
۷. ايمان دوست، على اصغر، «بررسی علل كشته شدن عثمان»، در مكتب وحی، س ۶، ش ۱۸، آذر ۱۳۹۳.
۸. _____، «واكوى علل كشته شدن عثمان»، در مكتب وحی، س ۸، ش ۲۱، بهار ۱۳۹۵.
۹. بلاذرى، احمد بن يحيى، أنساب الأشراف، دمشق، دار اليقظة العربية، ۱۹۹۹ م.
۱۰. _____، فتوح البلدان، بيروت، دار و مكتبة الهلال، ۱۹۸۸ م.
۱۱. پاكتنجى، احمد، روش تحقيق با تكيه بر حوزه علوم قرآن و حديث، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹.
۱۲. حسين، طه، آن روزها، ترجمه حسين خديوجم، تهران، سروش، ۱۳۶۳.
۱۳. _____، حسين، طه، انقلاب بزرگ، ترجمه سيدجعفر شهيدى، بی جا، مؤسسه مطبوعاتی على اكبر علمى، بی تا.
۱۴. خليفة بن خياط، تاريخ، تحقيق اكرم ضياء العمرى، بيروت، دار القلم، ۱۳۹۷ ق.
۱۵. سيوطى، الدر المثور فى التفسير بالمأثور، بيروت، دار الفكر، بی تا.
۱۶. شريف مرتضى، الشافى فى الامامه، تحقيق سيد عبدالزهراء حسيني، تهران، مؤسسه الصادق، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. شهيدى، سيدجعفر، تاريخ تحليلى اسلام، تهران، نشر دانشگاهى، ۱۳۷۲.
۱۸. صنعانى، عبدالرزاق، المصنّف، تحقيق حبيب الرحمن اعظمى، بی جا، المجلس العلمى، بی تا.
۱۹. طبرى، محب الدين، الرياض النظره فى مناقب العشرة، بی جا، دار الكتب العلميه، بی تا.
۲۰. طبرى، محمد بن جرير بن يزيد، تاريخ الطبرى، بيروت، دار التراث، ۱۳۸۷ ق.
۲۱. كتانى، عبدالحى، التراتيب الإداريه، تحقيق عبدالله الخالدى، بيروت، دار الأرقم، بی تا.

- دو گزارش از یک واقعه تاریخی: مطالعه تطبیقی نگاه طه‌حسین و مارتین هیندز به قتل خلیفه سوم □ ۷۳
۲۲. کرون، پاتریشیا، *زندگی‌نامه خودنوشت*، ترجمه مسعود جعفری جزئی، بخارا، ش ۱۰۸، مهر و آبان ۱۳۹۴، ص ۶۳ - ۳۷.
۲۳. مادلونگ، ویلفرد، *جانشینی حضرت محمد ﷺ*، ترجمه احمد نمایی و دیگران، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶.
۲۴. نصر بن مزاحم، *وقعة صفین*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت، دار الجیل، ۱۹۹۰ م.
۲۵. یاقوت حموی، *ابو عبدالله، معجم البلدان*، بیروت، دار صادر، بی تا.
۲۶. یعقوبی، احمد بن اسحاق، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار بیروت، بی تا.
27. Bosworth, C. E., "Martin Hinds 1941 - 1988", in: *British Society for Middle Eastern Studies Bulletin*, 16 (1989), p. 118 - 120.
28. Cachia, Pierre., "Ṭāhā Ḥusayn", in: *Encyclopaedia of Islam*, Second Edition, Edited by: P. Bearman, Th. Bianquis, C. E. Bosworth, E. van Donzel, W. P. Heinrichs. Consulted online on 22 April 2017.
29. Della Vida, G. Levi and R. G. Khoury, "Uthmān b. 'Affān", in: *E I2*, V. 10, p. 946 - 949.
30. Hinds, Martin, "The Murder of Caliph 'Uthman", in: *International Journal of Middle East Studies*, v.3, Issue 4, October 1972, p. 450 - 469.
31. Hourani, A., "In Memoriam: Martin Hinds", in: *Middle East Studies Association Bulletin*, 23 (1989), p. 155 - 156.
32. Malti - Douglas, Fedwa, "Ḥusayn, Ṭāhā", in: *The Oxford Encyclopedia of the Modern Islamic World*, Edited by John L. Esposito, Oxford University Press, 1955, v. 2, p. 148 - 149.
33. Nagel, T, "Qurrā", in *EI2*, v.5, p. 499 - 500.
34. Paniconi, Maria Elena, "Ḥusayn, Ṭāhā", in: *EIThREE*, Edited by: Kate Fleet, Gudrun Krämer, Denis Matringe, John Nawas, Everett Rowson. Consulted online on 22 April 2017.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی